

خلاصه‌ای از سخنرانی دکتر میثم فدایی واحد

آقای دکتر میثم فدایی واحد در دهمین دوره‌ی صبح فناوری در تاریخ ۲۲ آبان ماه، به میزبانی "عصرامین کارآفرین"، به بیان تجربیات خود در حوزه‌ی "سرمایه‌گذاری بر روی کسب و کارهای نوپا" پرداختند. اهم موارد مطرح شده در سخنرانی ایشان، در ادامه اشاره می‌گردد.

چالش اولی که در بحث استارت‌آپ‌ها وجود دارد این است که از روز اولی که استارت‌آپ در حال شکل‌گیری است، میبایست برنامه‌ریزی‌های مربوط به آینده آن به درستی انجام شود. ممکن است استارت‌آپ به دنبال ادغام یا تملیک، عرضه در بورس و ... باشد. البته برخی نکات ریز نیز وجود دارد که استارت‌آپ‌ها هنگام عرضه در بورس باید از قبل به آن توجه کنند. به عنوان مثال، گذراندن استانداردهای سازمان حسابرسی از این دست برنامه‌ریزی‌هاست. علاوه بر این، خروج از سرمایه‌گذاری نیز شرایطی دارد. زیرا، استارت‌آپی که شروع به فعالیت می‌کند و بعد جذب سرمایه‌های بعدی را که انجام می‌دهد، همه‌ی این مراحل جذب سرمایه، به نوبه خود، در خروج تاثیر دارد.

چالش دومی که در اینجا میبایست به آن اشاره کرد این است که، برخی استارت‌ها سهامداری را جذب می‌کنند، که جنس متفاوتی نسبت به بقیه سهامداران دارد. اینکه ترکیب سهامداری به شکلی باشد که سهامداران همدست باشند، بسیار مهم است. البته گاهی خروج از جنس ادغام و تملیک است و سهامداران به دنبال ادامه سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی هستند. در این حالت، محدودیت کمتر است. اما در بخش دولتی، توجه به همجنس بودن سایر سهامداران بسیار مهم است.

نکته بعدی این است که امروزه استارت‌آپ‌های ما از نظر مدیریت مالی شرکتی در وضعیت بهینه‌ای نیستند. به عنوان مثال، تاکسی‌ها و حمل و نقل اینترنتی میبایست به بیمه رانندگان خود فکر کنند. یا مثلاً هنگامیکه بورس در وضعیت خوبی است، برایشان پرتفو تشکیل داد، تا بتوان امنیت مالی آنان را تامین کرد. تشکیل صندوق بازنشستگی اختیاری از جنس همین تامین امنیت روانی است. اهمیت این موضوع آنجاست که با توجه به سود کم این استارت‌آپ‌ها، مدیریت درست مالی در ارزش‌گذاری هنگام عرضه در بورس تاثیر بسزایی دارد. گاهی نیز می‌توان تعداد کاربران بالا را با یک نهاد مالی تسهیم کرد و یک شراکت با یک کارگزاری انجام داد. این مثال‌ها استفاده درست ثروت شرکت است که از چالش‌های مهم است.

در حوزه فین‌تک‌ها نیز لازم به اشاره است که فین‌تک‌های فعال کنونی در بازار سرمایه فی‌الواقع توسعه آنچنانی پیدا نکرده‌اند. این امر به دو علت است. یک علت آن بحث خود بازار سرمایه بوده است. مثلاً اگر کمی بازار خوب شود، کارگزاران بیخیال آن می‌شوند. برخی نیز همان سیستم سنتی کارگزاری را دنبال می‌کنند. دلیل دوم نیز رگولاتورها هستند. در بحث‌های رگولاتوری فین‌تک‌ها ما بنج‌مارک جهانی نداریم. به نظر بنده در هر حوزه‌ای میبایست کار درست را انجام دهیم. مثلاً یکی از موضوعاتی که در چند وقت اخیر در بازار سرمایه پررنگ شد، معاملات الگوریتمی بودند. در آن زمان در فضای مجازی حجم‌های بر علیه معاملات الگوریتمی شکل گرفته بود. برخی به این دلیل به آن خرده می‌گرفتند که دسترسی به آن نداشتند. یعنی اگر رگولاتور برای این موضوع تمهیداتی می‌دید قطعاً این حجم راه نمی‌افتاد. برخی نیز چون مهارت کدنویسی الگوریتم را نداشتند آن را بد و نادرست می‌پنداشتند.

نکته مهم دیگر این است که معمولا سرمایه‌گذاران خطرپذیر با صاحبان بازار سرمایه به گفت و گو نمی‌پردازند. بنابراین، درک درستی از مسائلی که در هر دو طرف می‌گذرد ندارند و در واقع زبان یکدیگر را نمی‌فهمند. بنابراین، درک دو جانبه سرمایه‌گذاران خطرپذیر و صاحبان بازار سرمایه بسیار مهم است.

یکی از نکات مهم که در اینجا لازم است اشاره شود، این است که امروزه در حوزه فین‌تک‌ها صنعت بیمه جلوتر از بازار سرمایه است. در واقع، بازار سرمایه‌ای که به لحاظ ریسک‌پذیری و سرمایه انسانی جلو بوده است، اکنون عقب افتاده است. حتی صنعت بانک نیز با وجودیکه همیشه در برابر تغییرات مکث داشته است، اکنون از بازار سرمایه جلوتر است.

بخشی دیگر از مشکلات و چالش‌هایی که در بازار سرمایه با آن مواجهیم بخش زیرساخت فنی است. به عنوان مثال، هسته‌ی معاملات ما چند وقت پیش دچار مشکل شد و سرورها کشتش این حجم از کار را نداشتند. بنابراین، زیرساخت فنی از مسائل مهم دیگری است که میبایست به آن توجه نمود.

نکته دیگر این است که هنگامیکه گفته می‌شود بازار را میبایست درست کنیم، اینکه شاخص را درست کنیم یک بحث است، اینکه واقعا بازار درست شود یک بحث دیگر است. باید توجه کنیم که بازار مجموعه‌ای از اکوسیستم‌ها و زیرساخت‌هاست. باید سازمان بورس و فرابورس این مسئله را درک کنند که صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر واقعا عضوی از بازارند. مثلا کراود فاندینگ هم جزئی از بازار سرمایه است. بنابراین، این مسئله باید به درستی درک شود. ما در بازار سرمایه این احتیاج را داریم که وقتی بازار مثبت شد، بازار را نزنیم و وقتی که بازار منفی است، به فکر نیافتیم که اکنون چه کاری را باید انجام بدهیم. نکته اینجاست که رگولاتورها و استارت‌آپ‌ها و نهادهای مالی میبایست روزهایی که بازار منفی یا راکد است کارهای مربوطه را انجام دهند.

اگر از سمت سرمایه‌گذاران خطرپذیر این موضوع را بررسی کنیم، نگاه سرمایه‌گذاران خطرپذیر باید اینگونه باشد که در استارت‌آپ‌های بازار سرمایه فقط نگاه به شاخص نباشد. اگر نگاه تنها به شاخص باشد، همیشه استارت‌آپ عقب می‌افتد. نکته دیگر بحث حمایت رگولاتور است. در واقع، سرمایه‌گذاران خطرپذیر باید حمایت رگولاتور را مطالبه کنند. رگولاتور هم نباید خود را با شرایط بازار تنظیم کند.

در پایان لازم است اشاره شود که، سیر تطور برخی از اتفاقاتی که در بازار سرمایه افتاده است، نشان می‌دهد که همواره پیشگامانی بوده‌اند که برای ایجاد تغییرات خط‌شکنی کرده‌اند. برای اینکه کارهای مربوط به این دست سریع‌تر پیش برود، یک راهکار این است که یک تشکل صنفی ایجاد شود که متشکل از نهادهای مالی بزرگ و صندوق‌های سرمایه‌گذار خطرپذیر پیشرو باشد و بتواند مطالبات را جمع‌آوری کند. اینگونه سازمان اغنا می‌شود. وجود این تشکل صنفی در حوزه فین‌تک‌های بازار سرمایه بسیار مهم است. سازمان بورس و فرابورس هم میبایست در این جمع‌ها حضور یابند تا با گفت و گوی دو جانبه درک مشترک حاصل شود. گاهی نیز میبایست رگولاتور را با خود همراه کرد. این همراهی باعث می‌شود تا میزان موفقیت بالاتر رود.